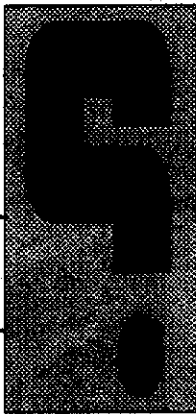


استعلامات قضائی



برائت یا اشتغال ذمه متعهد و ظهرنویس را احراز ننماید، نمی تواند نفیاً یا اثباتاً نسبت به موضوع دعوی یاد شده حکم کند؛ لذا دعوی عنوان شده از مصادیق دعاوی مالی بوده و مبلغ مندرج در متن سفته ملاک صلاحیت دادگاه خواهد بود و نصاب دادگاه معتبر است.... همانطور که اگر دارنده سفته متقابلاً علیه متعهد یا ظهرنویس اقامه دعوی کرده و مطالبه وجه آنرا نماید دعوی مالی خواهد بود. نظر اقلیت:

همانطور که در رأی اصراری شماره ۳۸۸۶-۴۰/۱۱/۱۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور راجع به دعوی استرداد چک استدلال شده، دعوی استرداد عین سفته نیز مشمول شق ۶ ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی بوده و عین سفته از جمله اشیائی است که بقاء معین نداشته ولی دارای نوعی از اعتبار می باشد، بنابراین شرایط و مقررات راجع به دعاوی مالی نسبت به چنین دعوائی جاری نیست. به عبارت دیگر دعوی استرداد عین سفته غیر از مسئله ایفای دین و پرداخت یا عدم پرداخت وجه سفته و خارج از دعوی مالی است و چون مورد از مصادیق دعوی غیر مالی... صحیح نیست که خواهان چنین دعوائی را مکلف به الصاق تمبر هزینه دادرسی بر مبنای مبلغ مذکور در سفته نمایند.

عدم پرداخت هزینه های قانونی مربوط به کانون وکلاء (۵)

● سؤال: مجوز قانونی اختطاریه رفع

مورد افراز، با تقدیم دادخواست بدوی است یا تجدید نظر؟

● جواب: «اعتراض بر تصمیم اداره ثبت در مورد افراز باید با تقدیم دادخواست به عمل آید و این دادخواست مشمول دادخواست ابتدائی است».

● معافیت از پرداخت هزینه دادرسی (۳)

● سؤال: آیا جهاد سازندگی و سایر نهادهای انقلابی از جهت معافیت از پرداخت هزینه دادرسی سازمان دولتی است یا نه؟

● جواب: جهاد سازندگی با توجه به تصویب قانون خاص دائر به وزارتخانه شدن این نهاد، سازمان دولتی محسوب و از پرداخت هزینه دادرسی معاف است. اما سایر نهادهای انقلابی مادام که قانوناً سازمان دولتی اعلام نشده و یا بموجب قانون خاص از پرداخت هزینه دادرسی معاف نگردیده اند می بایست به هنگام اقامه دعوی هزینه دادرسی و دفتر را پردازند.

● دعوی استرداد عین سفته مالی است (۴)

● سؤال: آیا دعوی استرداد اعیان سفته ها مالی است یا غیر مالی؟

● جواب: چون سفته از اسناد تجاری است و وجود آن درید دارنده، ظهور در اشتغال ذمه متعهد و ظهرنویس آن دارد و اصل بر استحقاق دارنده آن در مطالبه وجه سفته است و در رسیدگی به دعوی مذکور ایفاء یا عدم ایفاء تعهد و دین مطرح می شود و دادگاه تا

حقوقی

ارجاع پرونده ها و شکایات در غیاب رئیس دادگستری و معاون او (۱)

● سؤال: با عنایت به تصریح ماده ۱۷ از آئین نامه قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، که ارجاع عرایض شکایات و... را منحصرأ در اختیار و توسط رئیس حوزه قضائی و یا معاون ایشان دانسته است، در غیاب رئیس و معاون تکلیف ارجاع شکایات و عرایض وارده چیست؟

● جواب: در غیاب رئیس حوزه قضائی و معاون او، ارجاع پرونده به عهده رئیس شعبه ای خواهد بود که سابقه خدمت قضائی او بیش از دیگران باشد و در صورت تساوی خدمت، آنکه رتبه قضائی بیشتری دارد، ارشد است و بطور کلی حق ارجاع با ارشد رؤسای شعب است، مگر اینکه ریاست قوه قضائیه ترتیب دیگری را مقرر کرده باشند.

اعتراض به تصمیم اداره ثبت در مورد افراز (۲)

● سؤال: اعتراض به تصمیم اداره ثبت در



راهنمای ارتباطات روابط عمومی
تشکلات قضایی

تلفن دفتر	۶۳۱۳۶۱۴
تلفن ارتباطات عمومی	۳۹۲۰۵۳
تلفن قضایی عمومی	۳۳۳۲۰۰
تلفن قضایی اول کشور	۳۰۷۰۰۶
تلفن خدمات قضایی	۵۶۰۹۰۳۸
تلفن قضایی استان تهران	۳۳۳۳۱
تلفن ثبت اسناد و املاک کشور	۶۲۲۱۰۲
تلفن بازرسی اول کشور	۶۷۱۵۲۰
تلفن زندانها و خدمات قضایی و تربیتی	۲۴۰۰۰۴۵
تلفن قضایی نیروهای مسلح	۸۳۹۰۲۲۲
تلفن پزشکی قانونی	۵۶۰۹۰۲۳
تلفن مرکز ملی حقوق خانواده و حمایت از کودک	۶۷۷۰۲۱
تلفن ارتباطات قضایی تهران	۸۵۵۲۳۳
تلفن ریاست	۵۶۳۳۵۰۳

واقعی خواسته نماید و یا در موردی که محرز است در ارزیابی خواسته رعایت نصاب نشده و دعوی برخلاف رقم مورد معامله تقویم گردیده، رأساً قرار عدم صلاحیت صادر کند. نظر سوم که به اکثریت آرا ابراز شد:

با توجه به مواد ۸۶ و بعد قانون آئین دادرسی مدنی اصل بر اینست که خواهان مختار در تعیین بهای خواسته در دادخواست بوده و مأخوذ به آن است و ایراد و اعتراضی نسبت به تقویم خواسته از حقوق خواننده است نه دادگاه. نهایتاً تنها در موردی که بهای خواسته با مستندات ابرازی خواهان مثلاً با رقم مورد معامله مصرح در قرارداد مطابقت ندارد، دادگاه بموجب بند ۱۲ ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو رقم مورد معامله را ملاک قرار داده و براساس آن دادگاه صالح را تشخیص و حسب مورد رأساً قرار عدم صلاحیت صادر می نماید. غیر از مورد مذکور در سایر موارد که رقم مورد معامله در مستندات مصرح و بهای مورد دعوی مشخصاً معلوم نباشد، بهای خواسته همان است که خواهان در دادخواست تعیین نموده و مادام که خواننده ایراد نکرده، دادگاه نمی تواند معترض آن بشود.

دعوی قلع بنا بدون درخواست خلع (۱۰)

سؤال: دعوی قلع بنا به تنهایی و بدون درخواست خلع بد قابل رسیدگی است؟

جواب: چون دعوی قلع بنا لزوماً از مقدمات یا متفرعات دعوی خلع بد نبوده بلکه خود دعوی مستقلی است، لهذا به تنهایی در دادگاه قابلیت استماع و رسیدگی دارد و مالک می تواند چه قبل از درخواست خلع بد و چه بعد از آن از محکمه صرفاً تخریب و انهدام بنای احدائی توسط متصرف عدوان و یا غاصب را تقاضا نماید و نمی توان مالک را ملزم به اقامه دعوی خلع بد نمود و رسیدگی به دعوی قلع بنا را مشروط به آن ذکر کرد. امتناع از دادرسی نسبت به دعوی قلع بنا به این علت مجوز قانونی ندارد. و این نظر که حکم قلع بنا بدون خلع بد قابل اجرا نیست چون ملازمه با ورود و دخالت در تصرفاتی دارد که مورد حکم نبوده، صحیح نیست، زیرا اذن در شئی اذن در لوازم آن نیز هست حکم قلع بنا لوازم و مقدمات آن از جمله ورود برای تخریب بنا را نیز تجویز می کند.

نقیصه، در موردی که وکیل در وکالت نامه تمبر هزینه های قانونی را باطل نکرده است با این توضیح که تمبر مالیاتی باطل شده است و در پروانه وکالت نیز هزینه پرداخت و پروانه تمدید شده است، [کدام است؟]

جواب: هر چند عدم پرداخت هزینه های قانونی مربوط به قانون وکلاء نوعی تخلف انتظامی محسوب است، لیکن اخطار رفع نقص نسبت به وکالت نامه ای که غیر از تمبر مالیاتی، هزینه های قانونی مربوط به قانون وکلاء بر آن الصاق و ابطال نشده باشد، مجوز قانونی ندارد و وکالت صحیح است.

تبعیت دادگاه از میزان خواسته

سؤال: لزوم یا عدم لزوم تبعیت دادگاه از میزان خواسته در دعوی مالی که از طرف خواهان در دادخواست تعیین و تقویم شده است.

جواب: در تاریخ ۶۵/۵/۲ در این مورد ۳ نظریه ابراز گردید.

نظر اول:

مطابق ماده ۸۶ (۶) و بند ۴ ماده ۸۷ قانون آئین دادرسی مدنی (۷) تعیین بهای خواسته از اختیارات خواهان است و مادام که خواننده نسبت به میزان آن اعتراضی نکند و در این خصوص اختلافی حاصل نشود، دادگاه مداخله ای راجع به آن نخواهد داشت ولو بهای خواسته واقعی نباشد.

نظر دوم:

هر چند تعیین بهای خواسته با خواهان است، لیکن فرض قانونگذار آن است که خواهان مدعی به را به صورت واقعی تقویم کند و ارزیابی خواسته مطابق با واقع باشد نه صوری. بنابراین در هر مورد که به نظر برسد بهای خواسته غیر واقعی و کاذب است به استناد ماده ۸ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری (۸) دائر به اختیار مطلق دادگاهها در کشف واقع و شقوق ۵ و ۱۲ ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو (۹) مبنی بر لزوم رعایت نصاب و توجه به بهای مورد معامله، دادگاه می تواند به منظور جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی خواهان در انتخاب دادگاه صالح به میل و اراده خود و غیر قابل فرجام نمودن حکم و قرار از پرداخت هزینه دادرسی و نیز به منظور رفع مشکلاتی که از غیر واقعی بودن بهای خواسته به هنگام عملیات اجرایی پیش می آید، خواهان را از طریق اخطار رفع نقص مکلف به ارزیابی

کیفری

معاون ارجاع و دستور تکمیل تحقیقات (۱۱)

سؤال: چنانچه معاون قضائی دادگستری شهرستان عهده دار ارجاع پرونده‌ها به شعب دادگاهها باشد، آیا می‌تواند گزارشی را که از پاسگاه اصل شده قبل از ارجاع به شعبه، چنانچه نقصی در تحقیقات یا موارد دیگر ملاحظه نماید، جهت تکمیل رأساً به پاسگاه انتظامی اعاده و تکمیل آن را بخواهد.

جواب: با توجه به مواد ۱۳ و ۱۴ قانون تشکیل دادگاههای عمومی انقلاب و آیین‌نامه اجرائی آن تمامی اقدامات و تصمیمات به دستور و زیر نظر حاکم دادگاه و وسیله قضات تحقیق یا ضابطین دادگستری یا مراجع ذیصلاح دیگر انجام می‌شود؛ معاون ارجاع صرفاً در حدود اختیاراتی که از این جهت دارد عمل می‌کند، مگر این که به لحاظ ابلاغ تصدی شعبه را هم داشته باشد، که با این وصف و ثبت پرونده در همان شعبه، می‌تواند دستور تکمیل تحقیقات را به ضابطین دادگستری بدهد.

رئیس دادگستری و حق ارجاع پرونده‌ها در دادگاه انقلاب (۱۲)

سؤال: آیا رئیس دادگستری در دادگاه انقلاب حق ارجاع پرونده را دارد؟
جواب: به استناد قسمت اخیر ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرائی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ارجاع پرونده‌های داخل در صلاحیت دادگاه انقلاب، به عهده رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب است نه رئیس دادگستری.

ارجاع پرونده از یک شعبه به شعبه دیگر (۱۳)

سؤال: در غیاب رؤسای شعب و در صورت فقدان دادرس علی‌البدل آیا رئیس یا

معاون قضائی دادگستری حق ارجاع پرونده یک شعبه را به شعبه دیگر موقتاً یا دائماً دارند؟

جواب: برای جلوگیری از ادامه بازداشت متهمی که وثیقه معرفی می‌کند و در مورد پرونده‌هایی که زندانی دارد و رئیس دادگاه در مرخصی بوده و دادرس علی‌البدل هم حضور ندارد و نیاز به اخذ تصمیم فوری از طرف دادگاه می‌باشد در مقررات جدید مطلبی وجود ندارد و اقدام رئیس دادگستری به ارجاع موقت پرونده به شعبه دیگر برای انجام امور مربوطه بلامانع است.

منع ارجاع شکایات به ضابطین از طرف رئیس دادگستری (۱۴)

سؤال: ارجاع شکایات بدواً به ضابطین دادگستری از طرف رئیس دادگستری یا معاون وی (قبل از ارجاع به محاکم) قانونی است؟

جواب: با توجه به مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و بند یک ماده ۲۳ آیین‌نامه و ماده ۱۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، ارجاع شکایت به ضابطین دادگستری باید از طرف دادگاه باشد. بنابراین با وصول عریضه و شکایت، برای بررسی باید بدواً به شعبه ارجاع و از طریق دادگاه اقدام مقتضی معمول گردد.

وظایف دادستان انقلاب در وضع فعلی (۱۵)

سؤال: اختیارات دادستان انقلاب با رئیس دادگستری است یا رئیس شعبه دادگاه انقلاب؟

جواب: اختیارات دادستان انقلاب نه به رئیس دادگستری تفویض شده است و نه به رئیس شعبه دادگاه انقلاب. آنچه به رئیس دادگستری تفویض شده است، با توجه به تبصره ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، اختیارات دادستان عمومی است نه دادستان انقلاب. بنابراین با توجه به قانون مذکور وظایف دادستان انقلاب به شخص یا مقام خاصی تفویض نشده و با انحلال دادرسی انقلاب و حذف عنوان دادستان انقلاب هر شعبه دادگاه انقلاب در مورد پرونده‌ای که به آن ارجاع می‌شود باید تمام امور مربوط به تعقیب و تحقیق و محاکمه و صدور حکم و اجراء حکم را خود انجام دهد و با انجام بعضی از آنها را به قاضی

تحقیق محول نماید.

دادرسی انتظامی کانون کارشناسان (۱۶)

سؤال: آیا دادرسی انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری، موضوع ماده ۱۵ قانون استقلال کانون کارشناسان مصوب ۱۳۵۸ به تبعیت از قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ عملاً متفی است و کلیه امور مربوط به تخلفات کارشناسان رسمی مستقیماً به دادگاه انتظامی کانون ارجاع می‌شود، یا ماده ۱۵ مذکور کماکان به قوت خود باقی می‌باشد؟

جواب: با اجرای قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۳ فقط دادرسیهای عمومی و انقلاب از سازمان و تشکیلات قوه قضائیه حذف شده است، نه دادرسیهای دیگر.

دادگاههای فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب (۱۷)

سؤال: لایحه تشکیل دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب مصوب ۵۸/۴/۱۳ بالخصوص مواد ۸ و ۹ و ۱۳ ملغی شده، یا کماکان به قوت خود باقی است؟

جواب: لایحه قانونی تشکیل دادگاه فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب مصوب ۵۸/۴/۱۳ شورای انقلاب هرگز اجرا نشده و در قوانین بعدی هم به دادگاهی با آن مشخصات اشاره نشده است، بنابراین عملاً منسوخ است.

دعوی خلع ید (۱۸)

سؤال: با توجه به فسخ شدن قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو، آیا دعوی خلع ید مالی است یا غیر مالی؟
جواب: قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ در مقام الغاء و حذف دادگاههای حقوقی و کیفری یک و دو و ایجاد تشکیلات قضائی جدید می‌باشد و به هیچ عنوان در مقام تغییر دعاوی غیر مالی به مالی و یا بالعکس نیست. بنابراین، به حکم مقرر در شق ۳ ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی ۱ و ۲ مصوب سال ۱۳۶۴ دعوی خلع ید غیر مالی محسوب است، مگر اینکه مالکیت محل نزاع باشد که در اینصورت، دعوی مالی تلقی و خواهان مکلف به تقویم خواسته و پرداخت هزینه دادرسی متعلقه می‌باشد.

دادرسی و فراخوان مقالات

ماهنامه دادرسی دست تمامی علاقمندان به همکاری را صمیمانه می‌فشارد و در مسیر فعالیت فرهنگی خود برای ارتقاء سطح آگاهی‌های عمومی جامعه نسبت به مسائل حقوقی و فرهنگی اجتماعی امید به یاری تمامی پژوهشگران و صاحب نظران، خصوصاً اساتید معلم حوزه و دانشگاه، قضات، وکلا و تمامی دانش پژوهان گرامی دارد. لذا خواهشمند است در ارسال مطالب خود اهم از مقاله، ترجمه، گزارش و خبر به موارد زیر توجه فرمایید:

- ۱- مطالب خوانا و حتی الامکان تاپ شده و یکدرو باشد.
- ۲- منابع مقالات را بصورت پی نوشت یا زیر نویسی درج نمایید.
- ۳- در صورت ترجمه بودن مقاله، نسخه اصلی نیز فرستاده شود.
- ۴- جدول اول، مشخصات نمودارها و اشکال را در صفحات جداگانه تهیه کرده و ارسال نمایید.
- ۵- در صورت ارسال گزارش یا خبر، منبع آن نیز متذکر شود.
- ۶- نام، نشانی و سمت نویسنده یا نویسندگان درج نشده، تلفن نظامی نیز قید گردد.
- ۷- ماهنامه دادرسی پس از تأیید هیئت علمی، اقدام به چاپ مقاله نموده و در ویرایش، حکم و اصلاح مقالات مجاز می‌باشد.

مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران شامل اشیاء و لوازم مربوط به اشخاص و افراد که موقتاً در اختیار ارتش قرار گرفته، مانند اسلحه شکاری که جهت تمدید جواز تحویل داده شده، می‌باشد؟

جواب: «در ماده ۹۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مقنن علاوه بر وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا اسناد، از اشیاء و لوازمی که بر حسب وظیفه به فرد نظامی سپرده شده است، بطور مطلق نام برده و تفاوتی بین اشیاء و لوازم متعلق به ارتش و اشیاء و لوازمی که متعلق به اشخاص است ولی موقتاً در اختیار ارتش می‌باشد، قائل نشده است. علیهذا از جهت اعمال تبصره یک ماده ۹۴ قانون مذکور و صدور حکم به پرداخت جزای نقدی تفاوتی بین اموال مذکور نمی‌باشد.»

اتلاف اموال و اشیاء و لوازم غیر نظامی (۲۲)

سؤال: «آیا عبارت «... و سایر اشیاء و اموال و لوازم نظامی متعلق به دولت یا آنچه در اختیار دولت است...» مذکور در ماده ۶۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران شامل کلیه اموال و اشیاء اعم از نظامی و غیر نظامی است؟ و آیا خودرو سواری و میز و تلفن جزء اموال نظامی است؟»

جواب: «ماده ۶۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مربوط به لوازم و اموال نظامی است که متعلق به دولت یا در اختیار دولت است که شامل اموال و اشیاء و لوازم غیر نظامی نمی‌گردد و مقررات ماده ۶۶ قانون یاد شده که مبین مرجع تشخیص اموال است، مؤید این موضوع است. و به عبارت دیگر اموال و اشیاء نظامی مورد نظر قانونگذار بوده که مقررات ماده ۶۶ را از جهت تشخیص موارد، وضع نموده است. در مورد قسمت اخیر استعلام در صورتی که حسب نظر کارشناسان نظامی اموال و اشیاء خسارت دیده جزء لوازم نظامی و مشمول ماده ۶۵ نباشند، رسیدگی و مطالبه خسارت موافق مقررات عمومی باید به عمل آید.»

مأمورین نیروهای مسلح و اشتغال به کار آنان (۲۳)
سؤال: اگر مأمورین نیروهای مسلح در تخصص خود با اشخاص حقیقی یا حقوقی



نظامی

عنوان مجرمانه اخذ وجه یا سند یا جنس توسط مأمورین خرید نیروهای مسلح (۱۹)

سؤال: اخذ وجه یا سند یا جنس از طرف مأمورین خرید نیروهای مسلح با چه عنوان جزائی قابل تطبیق است؟

جواب: «اخذ وجه یا سند یا جنس، از ناحیه مأمورین خرید نیروهای مسلح از فروردندان و سائل اداری، صنعتی و غذایی و غیره، ممکن است حسب مورد از مصادیق یکی از بزه‌های اخذ رشوه، تبانی در معاملات دولتی، تدلیس در معامله و یا اخذ پورسانت باشد، و چنانچه عمل ارتكابی به نحوی باشد که با عنصر تشکیل دهنده کلیه این بزه‌ها تطبیق کند، در این صورت عمل ارتكابی از مصادیق تعدد معنوی بوده و مرتکب، مجازات جرمی را که مجازات شدیدتری دارد باید متحمل شود.»

اخراج فرد نظامی از خدمت در اثر محکومیت به حبس (۲۰)

سؤال: اگر فرد نظامی به موجب حکم قطعی دادگاه نظامی به بیش از دو سال حبس محکوم شود و قبل از پایان دو سال به دلایل قانونی از زندان آزاد شود، آیا اخراج از خدمت در مورد وی باید اجراء شود؟

جواب: «ملاک و ضابطه اخراج پرسنل کادر نظامی که به موجب حکم قطعی دادگاه نظامی محکوم شده است، مدت حبس مندرج در حکم است و آزادی محکوم قبل از سپری شدن مدت محکومیت تأثیری در امر اخراج ندارد.»

تصاحب اشیاء و لوازم افراد غیر نظامی که موقتاً در اختیار ارتش قرار می‌گیرد هم اختلاس است (۲۱)

سؤال: آیا تبصره یک ماده ۹۴ قانون

اعم از دولتی و غیر دولتی در زمینه تخصص خویش قرارداد منعقد نمایند و برای انجام آن در اوقات اداری و یا با ترک محل خدمت بدون اخذ مرخصی اقدام به انجام مورد قرارداد نمایند، آیا عمل آنان جرم و قابل مجازات است؟

جواب: «اتخاذ قرارداد از سوی مأمورین نیروهای مسلح با افراد اعم از خصوصی و دولتی، برای انجام کار و یا خدمت در رشته مورد تخصص مأمور، علی‌الاصول فاقد اشکال قانونی است. بدیهی است انجام این نوع خدمات و یا کار باید در خارج از وقت اداری مأمور صورت بگیرد، خروج کارمند و یا مأمور نیروهای مسلح از محل خدمت بدون اخذ مرخصی و یا اشتغال در محل خدمت به امور غیراداری ممنوع و مستلزم مسئولیت و مجازات اداری انضباطی است.»

بازداشت پرسنل نظامی بوسیله فرمانده (۲۴)

سؤال: آیا بازداشت افراد نظامی بوسیله فرماندهان خود از مصادیق بازداشت غیرقانونی مذکور در قانون تعزیرات محسوب است یا نه؟

جواب: «بازداشت غیرقابل تمدید در بازداشتگاه، حداکثر به مدت سی روز، که در بند ۲ ماده ۱۰۳ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران عنوان گردیده و در بند ۲ ماده ۱۱۷ آئین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز عیناً تکرار شده است، قلمرو اجرائی خاصی داشته و از مصادیق بازداشت غیرقانونی موضوع قانون تعزیرات خارج است.»

تفاوت تبعید در حال خدمت و

اقامت اجباری (۲۵)

سؤال: آیا مجازات «... تبعید در حال خدمت...» مذکور در ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با مجازات «... اقامت اجباری...» که در بند ۲ قسمت ب ماده ۵ همان قانون آمده است، یکی می‌باشد؟

جواب: «با توجه به صراحت ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری

اسلامی ایران، معلوم می‌شود که کیفر «تبعید در حال خدمت» مجازات ویژه‌ای است که از طرف قانونگذار برای پرسنل وظیفه و در مقام تخفیف مجازات تعیین شده است و آن غیر از کیفر اقامت اجباری یا منع اقامت در نقطه یا نقاط معین است که در بند ۲ قسمت ب ماده ۵ همان قانون آمده است و به عنوان متمیم مجازات از سوی دادگاه تعیین می‌گردد. هر یک از این دو کیفر مقوله‌ای جداگانه بوده و موارد اجرایی خاصی دارند.»

تخفیف مجازات پرسنل نظامی (۲۶)

سؤال: آیا مجازاتهای پرسنل نظامی را می‌توان به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی تخفیف داد؟

جواب: «درخصوص نحوه تخفیف مجازات پرسنل وظیفه و کادر ارتش و سپاه از تاریخ تصویب قانون مجازات نیروهای مسلح مقررات ماده ۳ قانون مذکور در مورد جرائمی که مجازاتهای آنها کمتر از ۳ سال است، حاکم است و ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی در این خصوص قابل اجراء به نظر نمی‌رسد.»

گذشت شاکی و تخفیف مجازات جرائم پرسنل نظامی (۲۷)

سؤال: اگر شاکی از شکایت خود از پرسنل نظامی، قبل یا بعد از صدور حکم قطعی گذشت نماید، آیا دادگاه نظامی می‌تواند به استناد گذشت شاکی مجازات متهم یا محکوم را تخفیف دهد؟

جواب: «دادگاه می‌تواند با رعایت مقررات ماده ۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مجازات را وفق مقررات این ماده تخفیف دهد و یا بعد از قطعیت حکم در صورت استرداد شکایت از طرف شاکی یا مدعی خصوصی، طبق ماده ۲۵ قانون اصلاح پارهای از قوانین دادگستری، محکوم علیه می‌تواند با استناد به استرداد شکایت، از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست نماید که در میزان مجازات او تجدیدنظر نماید، دادگاه با رعایت این ماده هم مجازات را تخفیف می‌دهد.»

بی‌نوشت:

- ۱- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۱۱/۱۹.۷/۹۹۸)
- ۲- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۱۲/۳.۷/۸۱۶)
- ۳- نظریه اداره حقوقی که به اتفاق آراء در تاریخ ۶۷/۱۲/۲۴ اعلام شده است.
- ۴- نظریه اداره حقوقی که در تاریخ ۶۷/۲/۱۳ اعلام شده است.
- ۵- نظریه اداره حقوقی که در تاریخ ۶۷/۱۲/۱۶ اتفاق آراء اعلام شده است.
- ۶- ماده ۸۶ قانون آئین دادرسی مدنی: «بهای خواسته از تعلق نظر صلاحیت و هزینه دادرسی مبلغی است که در دادخواست قید شود.
- ۷- ماده ۸۷ قانون آئین دادرسی مدنی: ارزیابی خواسته به ترتیب ذیل بعمل می‌آید:
 - ۱- ۲- در دعاوی راجع به اموال غیر پولی، بهای خواسته مبلغی است که مدعی در دادخواست معین کرده و مدعی علیه در اولین لایحه خود در دادرسی هادی و یا اولین جلسه در دادرسی اختصاری آنرا تکذیب نکرده است در مواردی که تعیین بهای خواسته در ابتدای دعوی ممکن نیست بهای خواسته بیش از یکصد هزار ریال محسوب است، مگر اینکه اجمالاً کمتر بودن بها معلوم باشد.
 - ۸- ماده ۸ قانون اصلاح پارهای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۵: «در رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی ارزش و مرعد اقامه دلائل برای اصحاب دعوی همان است که در قانون آئین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده ولی دادگاه می‌تواند هرگونه تحقیق و یا اقدامی برای کشف واقع به حمل آورد. در مواردی که بر دادگاه معلوم باشد استناد یا تقاضای یکی از طرفین مؤثر در اثبات ادعا نیست دادگاه می‌تواند با استدلال از ترتیب اثر دادن آن خودداری کند.»
 - ۹- ماده ۷ قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو: رسیدگی به امور ذیل در صلاحیت دادگاههای حقوق دو است:
 - ۱- مطالبه وفای به شرط و عهود راجع به معاملات و قراردادهای مشروط به اینکه مورد مطالبه قابل ارزیابی نباشد والا نصاب دادگاه حقوقی (دو) معتبر است..... ۱۲- دعاوی راجع به حقوق مالی از قبیل حق شفعه و حق فسخ و دعوی بطلان معامله و ب اعتباری سند در صورتی که حق یا مورد معامله بیش از حد نصاب نباشد.
 - ۱۰- نظریه اداره حقوقی که در تاریخ ۶۵/۸/۸ اعلام شد.
 - ۱۱- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۸/۳۰.۷/۲۲۶۲)
 - ۱۲- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۱۲/۱۰.۷/۸۱۵۲)
 - ۱۳- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۸/۳۰.۷/۲۲۶۲)
 - ۱۴- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۸/۱۰.۷/۵۲۶۹)
 - ۱۵- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۸/۲۱.۷/۲۹۷۰)
 - ۱۶- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۲/۵/۲۲.۷/۲۲۱۹)
 - ۱۷- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۱۲/۲۲.۷/۶۹۳۱)
 - ۱۸- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۴/۲/۳۰.۷/۳۱۰)
 - ۱۹- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۳/۱۸.۷/۵۵۳)
 - ۲۰- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۲/۱۰/۲۹.۷/۷۵۸۸)
 - ۲۱- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۵/۱۳.۷/۳۰۹۲)
 - ۲۲- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۱/۱۸.۷/۲۸)
 - ۲۳- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۳/۱۸.۷/۵۵۳)
 - ۲۴- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۲/۶/۲۲.۷/۲۸۵۱)
 - ۲۵- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۱۱/۳.۷/۵۵۱۹)
 - ۲۶- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۲/۸/۱۳.۷/۳۷۱۳)
 - ۲۷- نظریه اداره حقوقی (۱۳۷۳/۳/۲۳.۷/۵۹)